

## The foundation of home and family architecture, the original place of social interactions from the perspective of Islamic and Western thought

Amirhosein Farshchian ✉ 

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Technology and Engineering, University of Qom, Qom, Iran.

### ABSTRACT

The most obvious issues with macro-complexities in the current social system of Islamic cities are the type of communication and social events between individuals. On the one hand, the foundation and main position of this phenomenon has not been addressed, and on the other hand, the influence and effects of the power of imported Western thought in this regard have marginalized Iranian and Islamic lifestyles. The aim of the research is to examine and analyze the position of Iranian architecture in creating and strengthening social relations between individuals. This issue has been addressed qualitatively and with a descriptive and analytical method by adapting the original thoughts of Islam and the West. The findings indicate the fundamental views of Islamic thought regarding the issue of social events among believers, which, in addition to macro-topics such as Western thought, has also targeted all the detail-oriented topics. Unlike Western thought, Islam has introduced the family as the basic human base and the architecture of the house as the basic architectural base in relation to the most appropriate social interactions.

### ARTICLE HISTORY

Received 15 November 2025  
Received in revised form 07  
January 2026  
Accepted 30 January 2026  
Available online 21 March  
2026

### KEYWORDS

Home  
Family  
Social Interaction  
Islamic Thought  
Western Thought

**CONTACT** Amirhosein Farshchian ✉ [Amirhosein.farshchian@qom.ac.ir](mailto:Amirhosein.farshchian@qom.ac.ir)



Farshchian, A. H. (2026). The foundation of home and family architecture, the original place of social interactions from the perspective of Islamic and Western thought. *Bonyan: Strategic Research in Islamic Architecture and Urbanism*, 1(1), 1-16.

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.14518.1001>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## بنیان معماری خانه و خانواده، جایگاه اصیل تعاملات اجتماعی از منظر اندیشه اسلام و غرب

امیرحسین فرشچیان  

نویسنده مسئول، استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

## چکیده

بارزترین مسائل با پیچیدگی‌های کلان در نظام اجتماعی کنونی شهرهای اسلامی نوع ارتباط و اتفاق اجتماعی بین افراد است. از طرفی به بنیان و جایگاه اصلی این پدیده پرداخت نشده است و از طرف دیگر نفوذ و اثرات قدرت اندیشه وارداتی غربی در این خصوص، سبک زندگی ایرانی و اسلامی را به حاشیه کشانده است. هدف پژوهش، بررسی و تحلیل جایگاه معماری ایران در ایجاد و تقویت روابط اجتماعی بین افراد می‌باشد. به صورت کیفی و با روش توصیفی و تحلیلی این موضوع با انطباق اندیشه‌های اصیل اسلام و غرب مورد پرداخت قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از نظرات بنیادین اندیشه اسلام در ارتباط با موضوع اتفاقات اجتماعی در بین مؤمنین است که علاوه بر موضوعات کلان چون اندیشه غرب، تمامی موضوعات جزنگرانه را نیز مورد هدف قرار داده است. برخلاف اندیشه غربی اسلام خانواده را پایگاه اساسی انسانی و معماری خانه را پایگاه اساسی معماری در ارتباط با تعاملات اجتماعی اصلح معرفی نموده است.

## اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

## کلیدواژه‌ها

خانه

خانواده

تعامل اجتماعی

اندیشه اسلامی

اندیشه غرب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

CONTACT Amirhosein Farshchian  [Amirhosein.farshchian@qom.ac.ir](mailto:Amirhosein.farshchian@qom.ac.ir)

“فرشچیان، ا. ح. (۱۴۰۴). بنیان معماری خانه و خانواده، جایگاه اصیل تعاملات اجتماعی از منظر اندیشه اسلام و غرب. بنیان: پژوهش‌های راهبردی معماری و شهرسازی اسلامی، (۱)، ۱-۱۶.

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.14518.1001>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## ۱. مقدمه

غایت نهایی در موضوع اتفاق و تعامل اجتماعی نیل و رسیدن به وحدت و وفاق در بین افراد جامعه است. این غایت باید به واسطه ایجاد بسترهایی، افراد شهر اسلامی را با استفاده از فضاها و عناصر معماری و مکان‌های معماری به دور هم جمع‌نموده و به موضوع وحدت اسلامی و وفاق که در اندیشه اسلام بارها بر آن تأکید گردیده است، منجر شود. خداوند تبارک و تعالی در آیه دوم سوره مائده می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ». باید بیان نمود که در اسلام مشارکت در هر کاری تأیید نگردیده و در موضوعاتی چون مشارکت در کارهای خیر و نیک امر شده است. مشارکت در کارها و امور خیری مانند «ترویج عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه در جهت رشد و ارتقای بشری با اهمیت است که اگر این اصول در جامعه اسلامی منتشر و توسعه یابد و افراد بدون توجه به روابط شخصی، نژادی و خویشاوندی به انجام کارهای سازنده و مثبت اقدام کنند، همکاری، همیاری و تعاون پدیدآمده، جامعه‌ای مملو از تعاملات اجتماعی به‌وجود خواهد آمد» (Zahedi Asl, 1992: 149-150). در نوشتار حاضر چنین پدیده‌ای به صورت وفاق منتج شده از تعامل اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلام، هدفگذاری شده است. دانش و عمل معماری از با اهمیت‌ترین جایگاه‌ها در ایجاد وفاق و هم‌نوائی افراد جامعه از خرد تا کلان است. چنین ساختاری این قابلیت را دارد که فضاها و مکان‌هایی را پدید آورد که عرصه‌های اتفاق و تعاملات اجتماعی در آن نمود پیدا کنند. انسان‌ها با توجه به نوع نیازهای فیزیکی و غیرفیزیکی، با حضور خود در فضاها معماری سعی در ارضاء کردن یکی از بااهمیت‌ترین نیازهای خود به عنوان یک انسان اجتماعی دارند و آن در کنار دیگران بودن است. حضور انسان‌ها در کنار یکدیگر باعث ایجاد برخوردهایی می‌گردد که بسترسازی در جهت رخداد اتفاق و تعاملات اجتماعی در فضا و مکان معماری می‌باشد.

سازمان‌های اجتماعی و بخش‌های پژوهشی دانشکده‌های علوم اجتماعی هر ساله آمارهای تخصصی در ارتباط با تحقیقات و آمارهای گوناگون اجتماعی ارائه می‌دهند. مبتنی بر این پایگاه‌ها با هرچه پیش‌رفتن به سوی زندگی مرتبط با ماشین و صنعت، موضوع تضعیف پایگاه‌های تعاملات اجتماعی و اتفاقات مرتبط با آن، مخصوصاً در حوزه فضا و مکان معماری کاملاً خود را نمایان ساخته و می‌سازد. در این زمینه پرداختن به موضوع اندیشه‌های مرتبط با سبک زندگی از جامعیت خاصی برخوردار است. این موضوع که فضای معماری متناسب با جامعه اسلامی و سبک زندگی مرتبط با آن باشد، فقط برای یک دوره و زمان خاص نبوده، بلکه به واسطه جامعیت اندیشه اسلام تمامی دوره‌ها، زمان‌ها و جوامع را دربر می‌گیرد. اندیشه اسلام ثابت نموده است، از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم و مسئول دانستن انسان‌ها در سرنوشت مشترک خود با دیگران، نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و سبک زندگی مرتبط با آن ایفاء می‌نماید (Cosser, 1994). حیات جمعی فرصتی برای دور شدن از تنش‌های روزمره، گذراندن اوقات زندگی، گردهمایی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی برای حضور، مباحثه اجتماعی و ابراز وجودیت آنها در فضا و مکان معماری است. این موضوع با تقویت پایگاه‌های اتفاقات و تعاملات اجتماعی به صورت جذب افراد، امنیت اجتماعی و در نهایت ترغیب افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضای معماری و جامعه‌پذیری بیشتر در فضائی فعال و سرزنده امکان تحقق دارد.

با عنایت به تحقیقات و پژوهش‌های دانشمندان جامعه‌شناس شرق و غرب، اندیشه اسلام در باب جامعه و انسان‌هایی که سازنده این جامعه هستند توصیه نموده است که از طریق فراگیری آموزه‌های اسلام، انتفاعات و عواید اجتماعی سازنده‌ای شامل حال جامعه می‌شود. سبک زندگی مرتبط با آموزه‌های اسلامی مبتنی بر تقویت و ترویج روابط اجتماعی مطلوب در فضا و مکان معماری است. آموزه‌های اسلام توصیه‌های فراوانی به موضوع یعنی متحد بودن افراد جامعه اسلامی یا همان تأکید بر موضوع تعاملات اجتماعی و وفاق در جامعه اسلامی نموده است. این موضوع رشد و تعالی اجتماعی را در راستای سبک زندگی خانواده اسلامی را به همراه دارد. امکان ایجاد فضای معماری جهت تعامل اجتماعی با تأثیر از اندیشه اسلامی که سبک زندگی کنونی را مورد برخورد قرار دهد، راهبرد تحقیق حاضر می‌باشد. این موضوع با مطرح نمودن این مسئله همراه است که، دانش معماری چگونه می‌تواند با توجه به سفارشات دینی مبتنی بر وحدت و وفاق در جامعه اسلامی، تعاملات اجتماعی را محقق سازد؟

با توجه به راهبرد تحقیق حاضر با تحلیل دیدگاه اندیشه غربی و اسلام در ارتباط با دانش جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و معماری، با ارائه چارچوب اصلی فضا و مکان تعامل اجتماعی براساس اندیشه اسلامی، موضوع چگونگی تحقق تعامل اجتماعی و پایگاه اصلی شکل‌گیری آن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. چارچوب پژوهش با استناد به ادبیات موضوع شکل گرفته مرتبط با احکام و

نصایح اندیشه‌اسلامی که مبتنی بر قرآن حکیم و اصول اسلامی در خصوص جامعه و روابط اجتماعی مؤمنان می‌باشد، تدوین گردیده است. یافته اساسی تحقیق مبتنی بر تعامل اجتماعی این موضوع را مشخص نموده است که، اندیشه‌اسلام در مکان و فضای معماری بسیار جزءنگرانه تر از اندیشه غربی است و نگاه اندیشه‌اسلامی به تعامل اجتماعی تنها محدود به جامعه به صورت کلی نبوده بلکه پایگاه‌ها و دیگر عرصه‌ها را نیز با توجه به کیفیت تعاملی آن در بر گرفته است. خانه به عنوان مکان و فضای معماری و خانواده به عنوان رکن جامعه اسلامی و سبک زندگی مرتبط با آن از مهم ترین ارکان تعاملات اجتماعی در رهیافت‌های اندیشه اسلام می باشند.

- پایگاه معماری مؤثر بر ایجاد تعامل اجتماعی منتج از اندیشه‌اسلامی به چه گونه است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

باید عنوان نمود تحلیل جامعی از تعریف مفهوم تعامل اجتماعی و سبک زندگی اسلامی به صورت بنیادین از منظر اندیشه‌اسلامی و بازخورد آن در مفهوم فضا و مکان معماری از جمله عماری خانه انجام نیافته است. این موضوع بیشتر در حوزة اجتماعی شهر و شهرسازی و با احکام کلان می باشد. بهزادفر (2013) در خصوص نوع روابط شهری و نحوه شکل‌گیری و تقویت آن این موضوع را اثبات می‌نماید که مؤلفه‌های فردی تأثیر مثبتی بر تعامل اجتماعی داشته و محیط فیزیکی به عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی، نقش بسیار فعالی در این موضوع ایفا می‌نماید. موضوعی که در این تحقیق مشخص است اثرات اندیشه و مفهومات فرهنگی اندیشمندان غرب بر پژوهش می باشد. دانشگر مقدم (2011) شیوه زندگی و ارزش‌ها و هنجارهای جاری زندگی را بر کیفیت تعامل کاربران و محیط ساخته شده تأثیرگذار دانسته و یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت این موضوع را بحث طراحی مکان با توجه به اصول ادراک طبیعت می‌داند. در این پژوهش مرتبط با اندیشه‌های سبک معماری مدرن در ارتباطات اجتماعی فضای شهری و منظرسازی تئورسین‌های غربی مورد نظر بوده است.

محمد اركون (2016) در نوشتار خود تحت عنوان اسلام، فرد و جامعه با بررسی آیات قرآن و تاریخ معماری کشورهای اسلامی، اندیشه‌اسلامی را در خصوص جامعه و ارتباط افراد با آن بررسی نموده و این موضوع را ارائه می‌دهد که اندیشه‌های اسلامی از جمله فرامین و نصایح قرآن کریم است که توجه خاص و دیدی جامع‌نگر نسبت به موضوع جامعه و حضور افراد در آن دارد. بر این اساس حوزه های شهری را به صورت کلی به عنوان فضاهای با قابلیت ارتباطات اجتماعی معرفی نموده است. آیت‌الله جوادی آملی (2014) بر این مفهوم تأکید می‌ورزد که "مؤمنین باهم یک حقیقت را تشکیل می‌دهند" و راهکار این موضوع یعنی رسیدن به امت‌واحدہ را در گرو روابط اجتماعی حسنه و اصلاح می‌داند. ایشان جامعه‌اسلامی را سرشار از روابط اجتماعی افراد باهم تعریف نموده و خلق خوش، امر به معروف، دلسوز مؤمنان بودن، ایمان و تقوی و همچنین ایجاد فضاهای باز و گشاده و نشاط‌آور برای مسلمانان جامعه را از جمله عوامل دخیل در این موضوع بر شخصیت مؤمنان دارای روابط اجتماعی معرفی نموده‌اند. در این پژوهش رویکرد اساسی در مباحث فلسفه و الهیات می باشد و موضوعات با ابعاد فیزیکی چون معماری به صورت طرح‌واره‌های فلسفی به جهت ارائه مثال‌های فیزیکی ارائه شده‌اند.

بازرسی پیشینه‌های تحقیق در حوزه روابط و تعاملات اجتماعی این موضوع محرز می‌گردد که ادبیات و پژوهش‌های کنونی در برخورد با این موضوع مرتبط با دانش‌هایی چون روان‌شناسی، علوم اجتماعی و انسان‌شناسی می باشد که بسترهای اندیشه غربی و دانش‌های دوره مدرن وارداتی پشتیبان این تعاریف و مفاهیم می‌باشد. بر این اساس در صورتی که باید بدنبال نسخه‌های عملکردی در این حوزه بود باید مفاهیم اندیشه اسلام را مورد تحلیل و بررسی قرار داد و در سبک زندگی اسلامی تدوین نمود.

## ۳. روش‌شناسی پژوهش

ساختار تحقیق حاضر مبتنی بر بررسی و تحلیل آراء و نظریات در حوزه تعاملات اجتماعی و اندیشه اسلامی می باشد. بر این اساس با در نظر داشتن مبانی کیفی در پژوهش حاضر به صورت بنیادی موضوع تعامل و اتفاق اجتماعی در حوزه اثرگذار معماری مورد تحلیل و توصیف بوده است. از آنجایی که در این حوزه ابتدا باید به نتایج نظری و مؤلفه‌های مرتبط با آن را به دست آورد در

تحقیقات آتی باید به صورت بررسی نمونه‌های موردی در معماری و شهرسازی و همچنین به صورت روش همبستگی به تحلیل و بررسی آن توسط عملیات‌های میدانی پرداخت. درگام اول در تحقیق حاضر به صورت کیفی و بنیادی مبانی مورد پردازش و تحلیل بوده است. متغیرهای اساسی تحقیق به جهت بررسی کیفی اطلاعات تخصصی در این حوزه به صورت تعامل و اتفاق اجتماعی و اندیشه اسلام در این خصوص می باشد که در برابر دانش معماری به عنوان حوزه به فعل رساندن فیزیکی این مبانی، گزینش شده است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

با تحلیل نظام‌مند بناها و ساختارهای معماری در سنت اسلامی ایران، یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل اجتماعی در معماری تاریخی به‌عنوان یک سازوکار سازمان‌دهنده و طراحی‌شده حضور داشته است. از کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانه و خانواده تا عرصه‌های شهری و میدان‌ها، طراحی فضاها به‌گونه‌ای صورت گرفته که بستر حضور و کنش‌های جمعی خرد و کلان را با سنجش کمی و کیفی حضور افراد فراهم سازد؛ این امر نشان‌دهنده یک منطق طراحی اجتماعی محور است که در سطوح مختلف پلان، آستانه، حیاط و فضاهای همگانی متجلی می‌شود. در این سنت، خانواده نه به‌صورت هسته‌ای منفرد، بلکه به‌عنوان خانواده گسترده و شبکه همسایگی دیده شده که مراتب آن در مصادیق خانه و واحدهای همسایگی به‌صورت ساختاری و عملکردی قابل ردیابی است. این الگوی طراحی را می‌توان محصول مبانی نظری معماری اسلامی دانست که از اندیشه‌های بنیادین اسلامی نشأت می‌گیرد و وحدت‌گرایی و اجتماع‌محوری را به‌عنوان معیار طراحی فضا معرفی می‌کند؛ به‌عبارت دیگر معماری در این سنت نقش فعال در تولید وفاق اجتماعی دارد. از منظر انسان‌شناسی معماری، این عامل وفاق یک متغیر ساختاری است که فضایی را به‌سمت تقویت پیوندهای اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی هدایت می‌کند؛ یعنی تنظیم روابط فضایی خانه و همسایگی به‌طور مستقیم در تحکیم روابط اجتماعی مؤثر بوده است.

تحلیل تطبیقی تاریخی نشان می‌دهد که با ورود و نفوذ جریان‌های معماری و سبک‌های زیستی دیگر، نقش وفاق به‌تدریج بازتعریف و به‌صورت تعامل اجتماعی عام‌تر درآمده است؛ این تغییر نه صرفاً شکلی، بلکه مفهومی و عملکردی است. در بستر معاصر، نفوذ اندیشه‌های غربی و الگوهای اومانیستی موجب شده «خودی بودن» فضاهای تعاملی کمرنگ شود و تعاملات مبتنی بر خانواده گسترده تضعیف گردد؛ فضاها به‌سمت فرامرزی و تلفیقی با سبک‌های زیستی غیرمرتبط سوق یافته‌اند. نمونه‌های معاصر مانند مراکز خرید بزرگ، پلازاها و برخی پارک‌های شهری نمونه‌های عینی این روندند که نشان می‌دهند الگوهای فضایی وارداتی چگونه ساختارهای همسایگی و پایگاه خانواده را تضعیف کرده‌اند. نوآوری پژوهش در اینجا دوگانه است. نخست، بازخوانی ساختاری و عملکردی عناصر معماری تاریخی، آستانه، حیاط، گذر، فضاهای مشترک به‌عنوان متغیرهای قابل‌تحلیل برای سنجش تعامل اجتماعی؛ دوم، پیشنهاد چارچوب تطبیقی و طراحی که آموزه‌های اسلامی را با نگرش‌های معاصر تلفیق می‌کند تا فضاهایی تولید شود که هم‌زمان هویت‌بخش و پاسخگو به نیازهای زیستی امروز باشند. این رویکرد فراتر از توصیف تاریخی است و به‌صورت عملیاتی شاخص‌هایی برای سنجش تعامل و بازآرایی فضایی ارائه می‌دهد که می‌توانند در طراحی معاصر به‌کار روند.

بررسی بینارشته‌ای نظریات معاصر نشان می‌دهد که جهت‌گیری تعاملات اجتماعی به‌سمت فردگرایی تغییر یافته و این تغییر تا حد زیادی ناشی از سیطره ارزش‌ها و الگوهای وارداتی بر سبک زندگی و معماری است. از این منظر، پژوهش ضرورت بازتوسعه روابط اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های همزیستی و هویت‌بخش اسلامی را به‌عنوان یک نیاز عملی و نظری برجسته می‌سازد. در سطح نظری، این پژوهش نشان می‌دهد که فضا و مکان معماری خانه و خانواده می‌توانند به‌عنوان عرصه‌های تولید اتفاق اجتماعی عمل کنند و از طریق طراحی هدفمند، جنبه‌های معنوی، هویتی و تعالی اجتماعی را تقویت نمایند. در جمع‌بندی، راهبرد پژوهش بر بازآرایی فضایی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شاخص‌سازی تعامل متمرکز است؛ هدف ایجاد وفاق سراها در مقیاس خانه و همسایگی است تا فوائد آن در سطوح شهری بازتاب یابد. این رویکرد هم‌زمان تحلیل تاریخی-عملیاتی ارائه می‌دهد و مسیرهای طراحی کاربردی برای بازتولید تعاملات اجتماعی در سبک زندگی معاصر را مشخص می‌سازد.

### ۵.۱. آراء و نظریات اندیشه غرب

پردازش و تحلیل تخصصی کیفی موضوع تعامل اجتماعی از منظر حوزه‌های اجتماعی و فلسفی مرتبط با انسان، ساختار و ویژگی مکان و فضای معماری را مشخص می‌نماید و تقویت بنیان‌های آن را به همراه دارد. در آراء فلاسفه و اندیشمندان، تعامل اجتماعی دارای مفهومی بنیادین است که انضمام آن به مسائل معماری و شهر از حوزه اجتماعی از راهکارهای مؤثر در اعتلاء جامعه می‌باشد. روبرت پانتام<sup>۱</sup> تعامل اجتماعی را مجموعه اعتماد<sup>۲</sup>، هنجارها<sup>۳</sup> و شبکه‌های پیوند همکاری<sup>۴</sup> برای تسهیل سود متقابل می‌داند که نتیجه آن انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی است (Putnam, 2001). این اندیشمند سه شاخص برای تعامل اجتماعی در نظر می‌گیرد که شامل آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی می‌باشد.

کلمن<sup>۵</sup> در تعریف تعاملات اجتماعی از نقش و کارکرد آن صحبت نموده و تعریفی در حوزه کارکردی از تعامل اجتماعی بیان نموده است. این اندیشمند تعامل اجتماعی را شیئی واحد ندانسته، بلکه انواعی از موضوعات گوناگونی دانسته که دو ویژگی مشترک دارد. همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و اینکه کنش‌های معین افرادی که در درون یک ساختار قرار دارند را سبب می‌شود (Coleman, 1998). شکل معینی از سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش معین ارزشمند بوده و ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا کم فایده باشد. کلمن معتقد است که تعاملات اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. این اندیشمند شاخص‌هایی را برای تعامل اجتماعی در نظر گرفته است که شامل تعهدات ایجاد شده، دسترسی اطلاعات، هنجارهای اجتماعی و اقتدار می‌باشند. از این نظر تعاملات اجتماعی در نهایت برای جامعه سرمایه انسانی را به همراه دارد. بوردیو<sup>۶</sup> تعامل اجتماعی را جمع منابع بالقوه و بالفعلی دانسته است که نتیجه مالکیت شبکه بادیومی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌باید از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد. از نظر این اندیشمند "تعامل اجتماعی در نهایت می‌تواند سرمایه اقتصادی به همراه داشته باشد" (Bourdieu, 2018: 248). فوکویاما<sup>۷</sup> تعامل اجتماعی را وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی دانسته است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون بین آنها مجاز است، در آن سهیم هستند (Alāqehband, 2005). فوکویاما در ارتباط با تعامل اجتماعی دو نکته را تأکید می‌کند که تعامل اجتماعی متعلق به گروه‌ها می‌باشد و نه افراد، همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی که خواه بد و خواه خوب هستند ضروری است. از منظر این اندیشمند هنجارهایی که شالوده تعامل اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی دارای معنا هستند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشند و ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی می‌توانند مثبت و منفی باشند.

جدول ۱. آراء و نظریات اندیشمندان غربی در باب روابط و تعاملات اجتماعی در جهان حاضر.

منبع نظریه	نتایج بحث شده از این نوع ارتباط	نظر اساسی مرتبط با روابط و تعامل اجتماعی	اندیشمند غربی
(Clarkson, 2012:191)	موجب ایجاد کنترل جامعه به صورت نگرانی‌های اجتماعی خواهند شد.	روابط و تعاملات اجتماعی مجموعه‌ای از افکار، عقاید و حساسیت‌ها نسبت به زندگی اجتماعی و سیاسی هستند که به صورت امور عمومی در جامعه جایگاه دارند.	کلارکسون

<sup>1</sup> Robert Puntam

<sup>2</sup> Affiance

<sup>3</sup> Norms

<sup>4</sup> Network Coaction

<sup>5</sup> James Cullman

<sup>6</sup> Pier Bourdieu

<sup>7</sup> Francis Fukuyama

فرانسیس فوگویاما	روابط و تعاملات اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی هستند که اعضاء گروهی که با یکدیگر همکاری و تعاون دارند را شامل می‌شود.	روابط و تعامل اجتماعی باید به صورت هنجاری قانونی در بین افراد جامعه باشد.	(Alāqehband, 2005)
پیر بوردیو	روابط و تعاملات اجتماعی منابع بالقوه و بالفعلی هستند که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین انسان‌ها هستند. عضویت در گروه‌های اجتماعی به جهت دستیابی به منابع موجود در آن گروه اجتماعی است.	برای انسان‌ها سرمایه اقتصادی و منابع رایبه همراه داشته باشد.	(Bourdieu, 2018: 248)
جیمز کلنن	روابط و تعامل اجتماعی انواعی از موضوعات گوناگون است که دو ویژگی مشترک بین آنها وجود دارد. تمامی تعاملات و روابطها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی می‌باشند. واکنش‌های از قبل پیش‌بینی شده‌ای از افراد در روابط و تعاملات اجتماعی به صورت ساختاری وجود دارد.	روابط و تعامل اجتماعی به جهت تحقق نیازمند ارائه سرمایه انسانی است.	(Coleman, 1998)
روبرت پاتنام	مجموعه‌ای از اعتمادها، هنجارها و شبکه‌های پیوند که همکاری را برای سود متقابل در نظر گرفته است.	ایجاد انواع متفاوتی از کنش‌های اجتماعی که علت آن وجود منفعت شخصی است.	(Putnam, 2001)

تعاملات و روابط اجتماعی منبعی از کنش‌های جمعی می‌باشند. این منابع علاوه بر آگاهی و توجه به امور اجتماعی و عمومی به موضوعات سیاسی و اقتصادی نیز مرتبط هستند. مجموعه‌ای از آگاهی‌هایی که باعث ایجاد علاقه‌مندی به جامعه و حتی نگرانی نسبت به موضوع در جامعه بودن بین افراد می‌شود.

باتوجه به برداشت مفهومی از آراء اندیشمندان معاصر غرب در ارتباط با موضوع تعامل اجتماعی که در جدول (۱) ذکر گردیده است، عوامل ناسازگار و کاهش‌دهنده زمان فرآیند شکل‌گیری تعامل اجتماعی شامل مواردی چون زبان و قومیت، اقتصاد، زاغه نشینی، تبلیغات و تغییرات نسلی می‌باشد. ناهمگونی زبانی و قومی، باعث پررنگ شدن مرزهای فرهنگی و سنتی شده و جبهه‌گیری‌های افراد را به دنبال دارد (Glaser, 2002: 18). اختلاف طبقات اجتماعی ناشی از کمیابی و فشار زندگی باعث می‌شود که افراد در تعاملات اجتماعی خود بیشتر دیگران را به عنوان رقیب ببینند تا هم نوع خود. توزیع نامتناسب پاداش‌ها توسط جامعه باعث افزایش بی‌اعتمادی در بین افراد در تعاملات اجتماعی آنها می‌گردد (Coser, 1994: 109). حومه نشینی، حاشیه‌نشینی و پراکندگی بافت فضایی باعث دوری افراد از لحاظ درآمد اقتصادی و طبقه فرهنگی می‌گردد (Scarcia, 2018: 78). تأثیر سرگرمی‌های تلویزیونی و الکترونیکی در خصوصی نمودن روابط اجتماعی باعث جهت‌گیری‌های خاص افراد مخصوصاً کودکان در سنین اولیه اجتماعی شده و اجتماعی شدن را به حاشیه می‌کشاند (Putnam, 2001: 283). فرآیند آرام، مستمر و گریزناپذیر جایگزینی نسل به صورت فرزندان کمتر و کاهش جمعیت خانواده مشارکت‌پذیری آنها را در بحث‌های اجتماعی کاهش می‌دهد (Jundī, 1992: 83). آراء و نظریات اندیشمندان غربی رویکردی متفاوت را نسبت به دیدگاه‌های هنجاری و زیستی سرزمین‌هایی چون ایران را به همراه دارند. منافع بودن در فضای ارتباطات اجتماعی در درجه اول به جهات منافع شخصی است و این منافع حوزه‌های بسیاری را چون اقتصاد و تظاهرات شخصی را در بر دارد. در صورتی که امر بودن در اجتماع و ارتباط اجتماعی در سرزمین‌های اسلامی به جهت تقویت جامعه و ایجاد امت واحد و سپس دیگر موضوعات می‌باشد. در این راستا بررسی آراء و نظریات اندیشمندان اسلامی مورد نظر می‌باشد.

## ۵.۲. آراء و نظریات اندیشمندان اسلامی

اندیشمندان اسلامی رهنمودهای اسلام را به سمت اجتماع و جامعه دانسته‌اند. تأثیر این جهت‌گیری را در مفهوم واژه امت واحد تفسیر نموده‌اند، موضوعی که جامعه مسلمان با آن کاملاً باید همراه و هم‌نوا باشند. تعهد به امت به وسیله اسلام تحکیم می‌یابد، موضوعی که نیاز به توسعه واحدهای اجتماعی پایه دارد. خانه و خانواده در این تعاریف به عنوان پایگاه ابتدایی و اصیل در روابط و تعامل اجتماعی مطرح می‌شود. توجه به این پایگاه باعث تقویت بنیادهای اجتماعی از جزء به کل و از کل به جزء است. "همگی به ریسمان الهی چنگ زبید و از اختلاف و تفرقه پرهیز کنید و وحدت اجتماعی داشته باشید" (Al-Imran, verse 103) باتوجه به جدول (۲) در اصل هم‌بستگی با امت در آمیخته است. در اندیشه اندیشمندان اسلامی تعاملات اجتماعی دارای مقیاس‌های خاصی تعریف

شده است که تأکید فراوان بر نظریه اجتماع واحد یا همان امت واحد دارد. این مقیاس‌ها شامل جامعه، محله، خانواده و فرد می‌باشد (Durkheim, 2010). اندیشمندان اسلامی شرط رسیدن به جامعه‌ای دارای روابط اجتماعی صالح فیما بین مسلمانان را در گرو توجه به این چهار مقیاس باهم می‌دانند. در این چهار مقیاس خانه و خانواده که فرد و افراد را در خود به عنوان پایگاه ابتدایی و اصیل روابط اجتماعی در بردارند، با اهمیت‌ترین جایگاه می‌باشد.

جدول ۲. مقیاس‌ها و ابعاد تعاملات اجتماعی از آراء اندیشمندان اسلامی به جهت تحکیم بنیان‌های جامعه اسلامی.

مقیاس	جایگاه معماری	وضعیت در ارتباط اجتماعی	الزام توجه از منظر اندیشمندان اسلامی
فرد	فضای معماری خانه	فرد با خانواده	در ارتباط با اعضا خانواده بسیار حیاتی
افراد خانواده	فضای معماری خانه	خانواده گسترده با یکدیگر	ارتباط افراد خانواده با یکدیگر بسیار حیاتی
افراد محلات	فضای معماری واحدهای همسایگی محلات و خانه‌ها	خانواده‌ها در قالب همسایگی	بسیار توصیه شده
افراد جامعه	فضای معماری شهری	امت	بسیار توصیه شده

تفسیر جدول (۲) این موضوع را بیان می‌نماید که اجتماع دینی و اصول ارتباطی، سعی در ایجاد یک امت همگن از طریق تعامل اجتماعی قوی در تمام سطوح اجتماع دارند. در اندیشه اسلامی به منظور ایجاد روابط نزدیک اجتماعی، هر کس به نوبه خود می‌تواند با دیگران در ارتباط باشد و در ضمن زندگی خصوصی خود را نیز حفظ نماید، به طوری که عزت و اموال او ایمن و محفوظ باشد. "به پدر و مادر، خویشاوندان و یتیمان، افراد نیازمند و همسایگان آشنا و بیگانه، همراهاتان و در راه‌ماندگان نیکی کنید و آنچه که در دست‌های راست خود دارید ببخشید" (Nesa, verse 36). دستیابی به مفهوم امت از اهداف نهایی اسلام می‌باشد و مسلمانان را به برقراری روابط قوی و گرم با دیگر اعضای جامعه فرا می‌خواند. اطعام ضعفا، اشاعه صلح، بازدید از بیمار چه مسلمان و چه غیر مسلمان، همت گماشتن در دفن نمودن جسد مسلمان، احترام به همسایگان، احترام به مسلمانان سالخورده، اعطای عفو و بخشش، ایجاد ارتباط نیکو بین انسان‌ها، گشاده‌دستی، سخاوت و بخشایندگی، پیش‌دستی در سلام و مهار کردن عصبانیت دیگران است. "شما مسلمانان به سان بدن انسان می‌مانید هنگامی که بخشی از آن رنج می‌برد، سایر نقاط در درد و رنج آن عضو سهیم است" (Solṭānzādeh, 2013:113). امیرالمؤمنین علی (ع) بارها بر روابط بین مسلمانان در جامعه تأکید نموده و این موضوع را لازمه تحقق امت واحد اسلامی دانسته‌اند. ایشان چهار اصل در رفتار فرد در تعامل با دیگران را مشخص می‌نمایند، تواضع و فروتنی با افراد جامعه<sup>i</sup>، عفو و گذشت نسبت به برادران و خواهران دینی<sup>ii</sup>، راستگویی و پرهیز از دروغ<sup>iii</sup> در جامعه و اعتدال و میانه روی در اخلاق<sup>iv</sup> نسبت به مؤمنان. در واقع ایشان تعریفی از عوامل ایجاد تعامل اجتماعی را در جامعه اسلامی ارائه داده‌اند که با رعایت این قوانین در روح و جسم مؤمن جامعه اسلامی، تحقق تعامل اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

شهید مطهری شکل‌گیری اساسی روابط اجتماعی در بین افراد جامعه را در سایه دین بیان می‌کند و دلیل آن را از بین رفتن بیشتر فرهنگ‌ها و عوامل قوم و قبیله‌ای در تاریخ می‌داند. علاوه بر اصول کلی حاکم بر روابط اجتماعی مانند اصل عدالت، رأفت متقابل، احسان، تقدّم مصالح معنوی بر مصالح مادی و سلسله مراتبی بودن حقوق و تکالیف، اسلام به بیان راهکارهای ایجاد و تقویت ارتباط اجتماعی نیز پرداخته است. در خصوص همجواری در آموزه‌های اسلامی، دستورها و سفارش‌هایی وجود دارد که نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان افراد دارند و همجواری زمینه‌ساز و یا نتیجه طبیعی آن است که در تعالیم دین تحقق می‌یابد (Motahhari, 1993). آیت‌الله جوادی آملی معتقد است هیچ فرقه و ملّتی یافت نمی‌شود که پایدار مانده باشد مگر با داشتن جامعه‌ای مستحکم. ایشان وفاداری افراد به جامعه اسلامی و یاری کردن حاکمان جامعه و دیگر افراد جامعه اسلامی را وظیفه مسلمانان در امت اسلامی شمرده و آن را طریق رسیدن به روابط و تعامل اجتماعی پایدار دینی معرفی نموده‌اند (Javādi Āmolī, 2014). با توجه به جدول (۳) جامعه اسلامی در گرو رابطه افراد با یکدیگر است و اگر این ارتباطات اجتماعی بر اساس اصول اسلامی دین

تحقق یابند، امت واحد اسلامی و تعامل اجتماعی سالم نتیجه آن خواهد بود. این موضوع به صورت اساسی در سایه مفهوم خانواده و فضای معماری خانه بیان شده است که در توسعه و گسترش خود در نهایت به کلیت شهرهای اسلامی و مفهوم امت می رسد.

جدول ۳. آراء اندیشه اصیل اسلامی در باب ارتباطات اجتماعی افراد با یکدیگر.

شخصیت اسلامی	ارتباط با دیگر افراد	عامل های تقویت و توسعه ارتباط افراد با یکدیگر	نتایج توجه به ارتباط افراد با یکدیگر	الزام به موضوع
حضرت علی (ع)	ارتباط مسلمانان و مشارکت آنان با یکدیگر، لازمه‌ای اساسی برای جامعه اسلامی و عامل تحقق امت واحد اسلامی است که مؤمنان را با یکدیگر پیوند می دهد.	تواضع و فروتنی با افراد جامعه، عفو و گذشت نسبت به برادران و خواهران دینی، راستگویی و پرهیز از دروغ و اعتدال و میانه‌روی در اخلاق اجتماعی	تحقق ارتباط سالم افراد با یکدیگر به صورت توجه به ابعاد روحانی و فیزیکی امت	لازمه وجودیت امت
آیت الله مطهری	تعالیم اصول اسلامی در ارتباط با روابط اجتماعی مؤمنان امت اسلامی با یکدیگر. تحقق آن رسیدن به امت اسلامی با روابط اجتماعی اصلاح است.	عدالت، رأفت متقابل، احسان، تقدم مسائل معنوی بر مسائل مادی و سلسله مراتبی بودن حقوق و تکالیف	تحقق روابط اجتماعی پایدار با توجه به تعالیم دینی و اندیشه‌های اسلامی	تعالیم اسلامی
آیت الله جوادی آملی	روابط اجتماعی باید رفتارهایی برخاسته از رعایت اصول دینی که برهم کنش آن در جامعه و نظام اسلامی باعث ثبات اجتماعی شود، باشد. این ثبات منجر به توسعه امت اسلامی می‌گردد.	وفاداری به افراد و نظام اجتماعی، یاری رساندن به یکدیگر در امور سازنده، وحدت در جامعه اسلامی و محبت نمودن به دیگر همنوعان در جامعه است.	تحقق رابطه مستحکم قوانین اجتماعی افراد جامعه اسلامی با توجه به قوانین اجتماعی اسلام	قوانین اجتماعی اسلام

ارتباطات افراد یا تعاملات اجتماعی مشتمل بر تعالیم، آموزه‌ها و نصایح اسلام به صورت دستورات، هنجارهای اجتماعی، آموزه‌ها و نصایح، در خصوص داشتن روابط حسنه در امت اسلامی با دیگر افراد جامعه اسلامی است. پیامدهای توجه به این تعالیم به صلاح دنیوی و اخروی جامعه بوده و نیل به اهداف کمال و سعادت فرد انجام دهنده کنش‌های تعامل و روابط اجتماعی را به همراه دارد.

### ۳.۵. بنیان خانه و خانواده، افتراق بین اندیشه اسلام و غرب

آن گونه که از آراء اندیشمندان اسلامی برمی‌آید، خانه و خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری معرفی گردیده است<sup>vi</sup> که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به شمار آمده و موجب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید<sup>vi i</sup>. در قرآن کریم احکام و آداب فراوانی در خصوص خانواده و حفظ و اهمیت ویژه آن وجود دارد و خواستار عمل به دستورات دین برای رفاه و آسایش و رشد و تعالی خانواده می‌باشد. در فرهنگ اسلامی اولویت و تقدم با خانواده می‌باشد، همانگونه که پیامبر اسلام می‌فرماید هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده‌اش را از آن بهره‌مند سازد<sup>vi i i</sup> (Azīzī, & Mohammadnejād, 2007). در اندیشه اسلام خانه و خانواده اولین بنیان اجتماعی معرفی می‌گردد که افراد باید آموزه‌های اسلام و نحوه زندگی صحیح را در آن بیاموزند. بنابراین پایگاه اولیه فراگیری تعامل اجتماعی در اسلام خانواده عنوان می‌شود و خانه به عنوان فضای معماری معرف آن. بر همین دلایل است که اسلام خانواده گسترده<sup>ix</sup> را ارجح تر از خانواده هسته‌ای معرفی نموده است. رسول خدا در خصوص تعالیم اجتماعی و دفاعی به افراد خانواده می‌فرماید فرزندان‌تان را گرامی بدارید و آنان را نیکو تربیت کنید که آمرزیده می‌شوید<sup>x</sup> و در جای دیگر فرموده اند "حق فرزند بر پدرش این است که به وی ادب آموزد و در جایگاه شایسته‌ای قرارش دهد" (Kuleynī, 2002: 279). بنابراین اصل خانواده در اسلام بر روابط تمامی اعضاء خانواده مخصوصاً در نوع گسترده می‌باشد و منافع تمامی اهالی خانه که همان اولین گروه کوچک اجتماعی جامعه اسلامی است، دارای اهمیت می‌باشد. نتیجه این موضوع نگاه عمیق اسلام به تعامل اجتماعی و جامعه حتی در خانواده می‌باشد که با دیگر اندیشه‌ها بسیار متفاوت می‌انگارد. امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید "به خدا سوگند مراد از اجتماع، پیوستگی و اجتماع پیروان حق است، گرچه اندک باشند" (Javādī Āmolī, 2014:279). خانواده اسلامی که یک جمع کوچک از جامعه بزرگ اسلامی محسوب می‌گردد به عنوان اولین پایگاه اجتماع یاد گردیده است که سپس حوزه این جمع اجتماعی گسترش یافته و به خانواده گسترده، محله، خویشان، مرکز محله، مسجد جامع، بازار و در کل جامعه بزرگ اسلامی که شاکله امت واحد اسلامی را تشکیل می‌دهد ختم می‌گردد. این ارتباط و پیوستگی از دلایل عمده نوع نگاه متفاوت اندیشه اسلام در خصوص روند شکل‌گیری تعامل اجتماعی در جامعه اسلامی نسبت به اندیشه‌های غرب است.

مرتبط با تحلیل و تفسیر اندیشه غرب باید ابراز نمود مفهوم خانواده براساس محورها و نگاه اومانیسیم<sup>۱</sup>، فمینیسم<sup>۲</sup> و سکولاریسم<sup>۳</sup> بنا شده است که در این بینش تفاوت بین زن و مرد را منتج از محیط اجتماعی تلقی می‌نمایند. "فردگرایی افراطی، مبنای موضوعات حول خانواده بوده و اساس، بر اصالت میل فرد است و به تبع آن می‌توان دریافت که منافع افراد به شکل فردی مطرح است" (Rūh, 2013: 173). در اندیشه‌های غرب خانواده به دو گونه تبیین گردیده است. گونه اول به صورت خانواده هسته‌ای و گونه دوم به صورت خانواده فردی تبیین شده است که این موضوع دارای وجه متفاوتی با دیدگاه اندیشمندان اسلامی است. اندیشه اسلام از این دیدگاه "خانواده را بر دو نوع گسترده و هسته‌ای می‌داند و البته این موضوع را باید متذکر شد که بیشترین تأکید بر خانواده گسترده است" (Dowlati et al, 2009: 83). اسلام خانواده گسترده که متشکل از پدر، مادر، فرزندان و جهاندیدگان است را در جهت رشد معنوی و تربیتی خانواده علی‌الخصوص فرزندان صالح‌تر دانسته و تأکید می‌نماید که خانواده‌های خود را از نعمت بزرگان معرفت و تجربه دریغ مدارید که چراغ راه فرزندانان هستند، پس در خانه خود جایگاه والایی را برای آنها قرار دهید. این پایگاه به صورت اساسی افراد را به جهت حضور در جامعه خرد و کلان تربیت می‌نماید که چنین تربیتی با توجه به تعالیم اسلامی باعث رشد و توسعه کلی امت اسلامی می‌شود.

در این رابطه باید بیان نمود که مردم سرزمین ایران در مواجهه با اندیشه اسلامی به بهترین شیوه عمل نمودند. آن‌ها زمانی که از اصول و ویژگی‌های انسان‌دوستانه و مترقی اندیشه اسلامی آگاهی پیدا نمودند، آن را با آغوش باز پذیرفتند. با گرایش ایرانیان به اندیشه و تعالیم دینی اسلامی، بر روی ریشه و شجره طیبه توصیه به عنوان محور سبک زندگی اسلامی، درختی تنومند به وجود آمد که باعث شد اندیشه اسلامی در سراسر مناطق و حوزه‌های انسانی ایران گسترش یابد. بدون شک، گسترش اندیشه اسلامی، مدیون استفاده از تجربیات طولانی ایرانیان با فرهنگ است (Sajjādī, 1994). بدین گونه عقل ایرانی در کنار شرع مقدس، در قرون اولیه اسلامی حماسه آفرید و فرهنگ ایرانی که در این هنگام با اندیشه اسلامی آمیخته بود، مبنایی استوار برای پیشرفت در علوم و جامعه در همه رشته‌ها گردید. در اینجا از دید انور جندی (۱۳۷۱) می‌توان در خصوص بارزترین ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی که آن را در بین دیگر فرهنگ‌ها ماندگار و اصیل بر تمامی دیگر اصول قرار داده است، نمونه‌هایی را ذکر نمود. وحدت و یکپارچگی آن در کلیت، ابدیت پذیری آن، جامع‌الطرف بودن آن، تحرک و همچنین سازندگی بدون مرز آن (Arkūn, 2016: 17). ایران اسلامی سرزمینی است در برگیرنده اقوام و گروه‌های مختلف دینی و زبانی گوناگون که در بستر تاریخی و اجتماعی طولانی در کنار یکدیگر زندگی نموده‌اند و خانه و خانواده را به عنوان پایگاه اساسی این موضوع در نظر داشته و دارند. براساس اندیشه اسلام در خصوص ارزش و جایگاه خانه و خانواده در میان مردم این سرزمین یک هم‌بستگی فرهنگی و آرمان جمعی پدید آمده است. این هم‌بستگی مرتبط با تعالیم اندیشه اسلامی موجب وحدت ملی ایرانیان در پهنه‌ی جغرافیای وسیع این سرزمین شده و قومیت‌های مختلف ایران را به هم پیوند می‌زند.

اندیشه اسلامی مبتنی بر قرآن، سنت، حدیث منبع و سرچشمه‌های توأمان آن هستند. همه مؤمنان به قرآن و سنت به عنوان دو منبع لایزال ایمان دارند و این تعالیم را مطابق مشیت خداوند بر اوضاع و احوال خاصی که برایشان پیش می‌آید اطلاق و اعمال می‌کنند. "قرآن و سنت عوامل بازتاب توحید، رفتار و شیوه زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان را شکل می‌دهند" (Nasr, 1994: 16). توحید، نبوت و معاد، باعث شده‌اند که اصولی بر اندیشه اسلامی حاکم باشد که همان انعکاس اصول دین است. در واقع، پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت از هم مستقل نیستند، بلکه بازگشت همه آن‌ها به توحید است. اندیشه اسلامی هم از توحید که قلب دیانت اسلام و منبع تحکیم اجتماع مؤمنان است، تغذیه می‌شود. مشترکات اندیشه‌محور در میان فرهنگ‌های قومی در جغرافیای سیاسی سرزمین ایران، فرهنگ ملی ایرانی و اسلامی را شکل می‌دهد. اندیشه اسلامی فرهنگ یکپارچه با اندیشه اسلام است، اندیشه‌ای که در همه جا افراد و بالأخص مؤمنان خود را دعوت به اجتماع و باتوجه به بازخورد آن دعوت به تعاملات اجتماعی صالح از منظر اندیشه‌ای خود می‌نماید. نصر (1994) این فرهنگ را این گونه معرفی می‌نماید "فرهنگ ایرانی-اسلامی عبارت است

<sup>1</sup> Omanis

<sup>2</sup> Feminist

<sup>3</sup> Secularist

از مجموع اعتقادات، اندیشه‌ها، اخلاقیات، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، سنن، آداب و رسوم و عادت‌هایی که ریشه در قرآن و سنت پیامبر و پیروان راستین آن‌ها دارد (Nasr, 1994: 24) و این فرهنگ، اندیشه اجتماع‌پذیر و باهم بودن مؤمنان است و نهایت آن حفظ شاکله اسلام تحت لوای جامعه اسلامی است. جامعه‌ای که در آن، از رابطه فرد با خانواده تا کلیت شهر اسلامی منقوش به تعاملات اجتماعی سازنده است. براین اساس بنیان این موضوع با مفهوم حوزه خانواده و فضای معماری خانه می‌باشد.

اندیشه ایرانی که منتج شده از اندیشه اسلامی است در خصوص اجتماع پذیری دارای رهیافت‌ها و راهبردهای مفهومی و عملکردی خاص خود می‌باشد. در واقع اسلام، اندیشه‌ای است که در دیگر وادی‌های اندیشه‌مدار جای گرفته و سبک زندگی را جهت داده است که یکی از بارزترین جهت‌دهی‌های اندیشه ایرانی اسلامی مورد نظر در باب اجتماع و مقتضیات وابسته به آن می‌باشد. اندیشه مذهبی ساخت اجتماعی را نیز در داخل مفهوم اندیشه و سبک زندگی اسلامی جای می‌دهد، زیرا ساخت اجتماعی را حقیقتاً نمی‌توان شناخت مگر آنکه آن را جزئی از اندیشه و سبک زندگی به شمار آورد. اندیشه ایرانی اسلامی نظم اجتماعی را موجب می‌گردد و موجد باریک‌بینی هنری و آموخته‌های انسان اجتماعی است (Eslami Nadushan, 1975: 79). آن گونه که از اندیشه‌های اسلام در خصوص جامعه و حضور حداکثری مؤمن در جامعه سخن‌ها به میان آمده است، باید اندیشه و سبک زندگی ایرانی اسلامی را نیز اندیشه منقوش به اجتماع دانست که تبلور اتفاقات اجتماعی و تحقق آنها تحت لوای تعاریفی چون تعاملات اجتماعی در سطح جامعه اسلامی رخ دهد. در اینجا می‌توان سه ویژگی جامع را در خصوص دید اندیشه و سبک زندگی ایرانی اسلامی در خصوص اجتماع پذیری عنوان نمود که در جدول (۴) نیز به آن اشاره شده است. ویژگی اول اندیشه و سبک زندگی ایرانی و اسلامی وجه معنوی متعالی زندگی اجتماعی انسان است. ویژگی دوم اندیشه و سبک زندگی ایرانی و اسلامی وجه فعال رشد و پرورش فکری در خصوص پرداخت و تشکّل اجتماعات مؤمنین است. ویژگی سوم اندیشه و سبک زندگی ایرانی و اسلامی نوع شکل‌گیری اخلاقی، عقلی و روحی فرد و تبلور آن در تربیت‌یافتگی، وضع قوانین و آداب و رسوم اجتماعی یک قوم یا اقوام منطقه‌ی خاص جغرافیایی است که از نظر دین، ملیت و زبان باهم اشتراکاتی دارند (Pazhūhandeh, 1996). اندیشه اسلام باتوجه به تمامیت توجه خود به موضوع اجتماع، این مؤلفه را کاملاً در اندیشه و سبک زندگی ایرانی که خود نیز از گذشته بر این موضوع تأکید می‌نموده است، تعریف نموده و اجتماع و توجه به مؤلفه‌های وابسته به آن را مهم‌ترین مصالح در تقویت بنیان‌های سبک زندگی و اندیشه آن معرفی می‌نماید. تعاملات اجتماعی مستحکم برپایه اندیشه اسلام دارای نتیجه‌ای تحت عنوان ارتقاء سبک زندگی و اندیشه زیستی و ترویج آن در بین دیگر اندیشه‌ها داشته و کمال و سعادت اجتماع را به دنبال دارد.

جدول ۴. وجوه اندیشه و سبک زیستی ایرانی و اسلامی و اثرات آن بر تعاملات و روابط اجتماعی مؤمنان از منظر اندیشه اسلام.

وجوه اندیشه و سبک زیستی ایرانی و اسلامی	اثرات به دست آمده از اندیشه	اثر گذاشته شده بر جامعه	منبع به دست آوردن اندیشه	اهداف اساسی	رخداد اجتماعی منتج شده
حوزه معنوی و متعالی سبک زندگی اجتماعی	توصیه شده به رعایت ابعاد توحید و در کنار آن کسب فضائل اصلح مورد نیاز خانواده و جامعه	تقویت عوامل وحدت‌افزاد در جامعه	قرآن، سنت و احادیث؛ اندیشمندان اسلامی	هماهنگی، یکپارچه‌سازی مؤمنان در جامعه اسلامی	تقویت و توسعه روابط اجتماعی به منزله رعایت مفاهیم دینی
حوزه کمال و رشد فکری و اجتماعی	در نظر داشتن اصول اندیشه‌گرایی اسلامی در باب روابط اجتماعی و بنیان‌های فکری آن	جامعیت کلان و جامع الابعاد بودن مبانی اجتماعی	قرآن، سنت و احادیث؛ اندیشمندان اسلامی	اصول جامع الابعاد مبتنی بر بنیان‌های تفکری و علمی مؤمنان در جامعه اسلامی	تقویت ارکان زیست اجتماعی مبتنی بر اصول فکی و منطقی اندیشه اسلام
حوزه اخلاقی و تربیتی مبانی اجتماعی	تأکید بر آداب حضور و انجام تکالیف رفتاری در تعاملات و روابط اجتماعی	نبود مرزهای پایان برای اخلاق و مبانی تربیتی که سبب سازندگی و پویایی اجتماعی می‌گردد	قرآن، سنت و احادیث؛ اندیشمندان اسلامی	مبانی و اصول سلامت اجتماعی سبک زندگی اسلامی به صورت پیشرو در اخلاقیات و نظام تربیتی اندیشه اسلام در جامعه	تعاملات اجتماعی حسنه امت اسلامی با توجه به اندیشه و سبک زیستی ایرانی و اسلامی

**۵.۴. دیدگاه اندیشه اسلامی**

از منظر اندیشه اسلامی، ارتباط و اتفاق اجتماعی به گونه‌ای همه جانبه از طرف اسلام در جهت داشتن جامعه‌ای با ایمان و دارای عاقبت صالح بسیار مورد تأکید قرار گرفته‌است. تفاوت‌هایی نیز در این میان بین اندیشه اسلام و دیگر اندیشه‌های موجود شناسایی گردیده است که علت اساسی آن نگاه بسیار موشکافانه‌تر و مهربانانه اسلام به نقش فرد و خانواده در جامعه اسلامی است. موضوعی که در وادی تعاملات اجتماعی دیگر اندیشه‌های درگیر دارای ارزشی سطحی بوده و سطح جامعه و محیط‌های جمعی به واسطه گروه‌های اجتماعی با ارزش‌تر تلقی می‌گردد. این موضوع در حالی است که اندیشه اسلام شرط داشتن جامعه‌ای سالم از لحاظ تعامل اجتماعی را در گرو فرد و خانواده‌ای صالح با داشتن تعاملات اجتماعی درون خانواده‌ای مطلوب می‌داند و حتی در این خصوص حوزه خانواده را از جهت مطلوب موضوع تعیین نموده و ارزش‌گذاری کرده است. براین اساس فضای معماری خانه و حوزه خانواده به عنوان بنیان تعامل اجتماعی از منظر اندیشه اسلامی معرفی شده است. در این میان با توجه به تعریف و بررسی اندیشه ایرانی مرتبط شده با اندیشه اسلام که منتج و منقش شده به رایحه خوش اسلام و اندیشه‌های سازنده آن است نشان می‌دهد، اندیشه و سبک زندگی به واسطه آداب و رسوم، طریقه زندگی و نوع تفکر حاکم در ارتباطی کامل با مذهب و اصول دینی می‌باشد. در واقع این گونه باید بیان نمود تمامی جوانب اندیشه و سبک زندگی و مذهب با یکدیگر توأمان شده و در جامعه‌ای چون ایران زمانی که بحث از اندیشه و سبک زندگی یک منطقه و مذهب آن می‌شود در واقع از یک کلیت با دو وای بسیار نزدیک صحبت می‌شود. زمانی اندیشه، اندیشه و سبک زیستی سرزمین اسلامی است که اسلام، اسلامی منقش به اندیشه و سبک زندگی آن سرزمین باشد. در واقع سبک زندگی و مذهب رایحه خوش مطلوب زندگی نمودن افراد جامعه اسلامی عنوان می‌شود که در هر منطقه با تفاوت‌های سبک زندگی، آن‌گونه که مطلوب آن وادی اسلامی است مکمل‌گونه نقش ایفاء می‌نمایند. اندیشه و سبک زیستی ایرانی و اسلامی در ارتباط بسیار عمیق با تعاملات اجتماعی اصلاح از منظر اندیشه اسلام بوده و در همه حال جهات سالم و مصلح جامعه بودن آن مدنظر ارائه در سطح جامعه می‌باشد. جهاتی که سازنده، توسعه دهنده و حافظ هویت آن جامعه اسلامی باشد. جامعه اسلامی که بنیان خود را خانه و خانواده معرفی نموده است.

**۵.۵. فضای معماری خانه بنیان تعامل اجتماعی از منظر اندیشه اسلام**

در تمدن‌های تاریخی چون ایران، رُم، یونان و بین‌النهرین، می‌توان توجه به بحث تعامل اجتماعی را دارای تاریخی بسیار کهن با توجه به ساختارهای معماری و شهرسازی آن استنباط نمود. دلیل این موضوع وابستگی شدید تشکیل مفهوم شهر به مفهوم تعاملات اجتماعی و جامعه مدنی است که لازم و ملزوم یکدیگر قلمداد می‌گردند. مکان‌های بسیار مهمی نیز در طول تاریخ به این موضوع اختصاص یافته‌اند. فضاها و مکان‌های معماری شامل مساجد، قُربانگاه‌ها، آرسن‌ها، میدین و مراکز محله در ایران و آگورها، فورم‌ها و پلازها در یونان و روم از مکان‌های قابل مطالعه در جهت شناسایی مکان تعامل اجتماعی هستند. در تمدن یونان که به عنوان اولین تمدن دارای دموکراسی از نظر صاحب‌نظران غربی است، مکان‌هایی ایجاد گردیده که کاملاً به بحث تقویت روابط عمومی و تعامل اجتماعی در جامعه آن روز می‌پرداختند. آگورها در تمدن یونان مکان‌هایی تعریف می‌شوند که بناهای تجاری در اطراف آن جای گرفته و این مکان محل اجتماع، بحث‌های اجتماعی و فلسفی، بازار کارهای جمعی و در کُل مکانی برای تحقق امور اجتماعی افراد از جمله تعاملات اجتماعی بوده‌اند (Gardner, 2014). در این راستا باید فضا و مکان معماری به جهت تعامل اجتماعی مرتبط با نوع فرهنگ، سرزمین و هویت اسلامی باشد. براین اساس اندیشه اسلام باید با معرفی ارکان مورد نیاز مرتب با سبک زندگی و اندیشه اسلامی همراه باشد. فضای معماری خانه به همراه انسجام و یکپارچه سازی فضاهای اصلی، چیدمان صحیح فضائی با توجه به نوع رفتار و اعمال اعضای خانواده، انسان شناسی فضایی از لحاظ خلق، احساس، اصول حریمیت و رفتارشناسی کاربران، مساحت و هندسه سنجی فضایی مکانی، مرکز گرایی فضای اصلی خانه که در آن بیشتر فعالیت‌های روزانه تحقق می‌یابد و باعث ایجاد روابط چهره به چهره فراوانی می‌گردد. براین راستا اتفاقات اجتماعی تدوین و تدبیر می‌گردد.

آنچه که به عنوان فعالیت‌های اجتماعی و فرآیند تعامل اجتماعی از نگاه غرب دریافت شده است، این موضوع می‌باشد که با ورود فرد به جامعه و نوع آموزش‌های او از طرف سیستم آموزشی جامعه و نظام حکومتی توسعه می‌یابد. این موضوع را می‌توان در

خصوص فضاهای خانه‌های طراحی شده جهت حضور خانواده و میهمان در نمونه‌های اسلامی و غربی مشاهده نمود. فضاهای میهمان در نمونه‌های غربی دارای نوع طراحی تظاهرگویانه‌تر از لحاظ تزئیناتی بوده و حالتی انتزاعی برای نشان دادن نوع طبقه اجتماعی خانواده را داشته که نوع طراحی فضا ارتباطات محدود و سرد را در پی دارد. اما اندیشه اسلام با به رسمیت شناختن و تقویت ارتباط خانوادگی "تمام انسجام اجتماعی در ورای خانواده را تداومی منطقی از همان، معرفی و ترویج می‌نماید و به این ترتیب میهمان حال چه غریبه و آشنا در موضعی نزدیک به خویشاوندی تصور می‌شود که پذیرایی و تعامل با وی به عنوان هدف تکلیفی، همان معنای پذیرایی از خانواده را دارد که ذاتاً ملال آور نیست و لذا می‌تواند نقش اساسی در پیوند اجتماعی ایفا کند" (Nārī, 2014: 95). می‌توان تقابل بزرگ در موضوع تعامل اجتماعی میان اندیشه‌های اسلامی و غرب را در ابتدای کار در بحث مفهوم خانه و خانواده و آن را اولین پایگاه شروع تعلیم تعامل اجتماعی دانست. این موضوع تأثیر فراوانی نیز بر نوع معماری خانه اسلامی گذاشته و نوع فضا سازی خانه را به گونه‌ای خانواده‌پذیر و دارای پتانسیل تحقق تعامل اجتماعی جلوه می‌دهد. فضای اصلی خانه در معماری اسلامی به گونه‌ای تدوین می‌یابد که بیشترین فعالیت‌های روزانه خانواده از جمله غذا خوردن، خوابیدن، شعرخوانی، پذیرایی از میهمان، حضور بزرگترها و دیگر مسائل خانوادگی در آن تحقق یابد. این نوع فضا سازی باتوجه به بیشترین مؤلفه‌های محاسباتی فضا و زیباشناسی صورت یافته تا بدین واسطه افراد تمایل بیشتری برای حضور در کنار هم و داشتن ارتباط که سرآغاز تعامل اجتماعی است داشته باشند. فضای اصلی خانه به صورت مرکزگر دیگر فضاها را حول خود قرار داده و باتوجه به دیگر مؤلفه‌های دخیل بر این موضوع افراد خانواده را بیشتر ترغیب بر حضور بین جمع می‌نماید. این موضوع یکی از تأثیرگذارترین مؤلفه‌های معماری اسلامی در خصوص تعامل اجتماعی و افزایش ضریب تحقق آن در امت اسلامی است.

فضا و مکان معماری باید در راستای بهبود توانایی‌ها، روابط و تعامل اجتماعی افراد جهت یابد که به‌عنوان نشانی برای مفهوم امت، یک دستاورد همگانی و اجتماعی باشد. "در سنت اجتماعات اسلامی، ارزش‌های مشترک، اجماع دینی و همبستگی اجتماعی در میان اعضاء خانواده و جامعه، توانایی کافی برای هماهنگ نمودن تصمیمات فردی به طریق طبیعی و انعطاف‌پذیر را داشته و برهمان منوال قادر به استخراج یک کلیت اصلی در زمینه اعمال ساخت و ساز در سطح فردی و اجتماعی بود" (Jundī, 1992: 39). این مبانی سازمان یافته در کلیت خود سه مرحله اصلی را به همراه دارند که در ابتدای امر اصول فقهی در رسیدن به زندگی صالح ارزش‌هایی را معرفی نموده و افراد در مرحله بعد با درک مفهوم و زوایای آن به ایراد آن در وجوه زندگی به نوع عملکرد آن رسیده و از مواهب آن بهره‌وری نموده‌اند. باتوجه به اهمیت اندیشه اسلامی در خصوص بناها و مکان‌های جمعی در شهر اسلامی، باید منافعی صالح از آن برای افراد جامعه فراهم گردد. جوادی آملی (2014: 537) ترویج دانش و فرهنگ، حفظ و ترویج شعائر دینی، حفظ و گسترش بهداشت، ارائه خدمات به مردم و اداره جامعه و حفظ اهداف نظام اسلامی را هدف فضای اجتماع محور اندیشه اسلامی معرفی می‌نماید که در مرحله فقه و مفهوم افراد را دعوت به انجام این امور و تفکر و تعمق نسبت به آن و در نهایت رؤیت عملکرد آن می‌نماید. این ابعاد در مراحل با عنوان‌هایی چون نصایح و ارزش‌های دینی به جامعه اسلامی معرفی گردیده، به صورت اصول فقهی و در خصوص انجام این امور در رسیدن به زندگی اصلح تأکید ورزیده است. در وادی دیگر این موضوعات توسط افراد از جنبه‌های گوناگون اندیشیده شده و زوایای تبعات آن مشخص گردیده به صورت مفهومی و در گام آخر به انجام عمل در صورت منفعت و کسب فضایل صالحی که به همراه دارد به صورت عملکردی تصمیم‌گیری و ایراد می‌گردد (Motahhari, 1995). اصول مرتبط با اندیشه اسلامی که هدف غایی آن انعکاس مفهوم امت در فضا و مکان معماری انسان‌ساز است، با تأکید بر سه مسأله‌ی عمده ارائه می‌گردد. درک اصول مفهومی مرتبط با عوامل اجتماعی، استفاده از حوزه‌های دارای موارد عملکردی اجتماعی و رعایت مسائل و موازین شرعی دینی که در حوزه علوم فقهی اجتماعی قرار دارند.

سازمان دادن به کاربرد فضای معماری مرتبط با اندیشه اسلام و انسان مرتبط با الگویی ترکیبی و فضایی باید باشد که بر اتحاد و یکپارچگی جامعه باتوجه به ابعاد آن تأکید فراوان نماید (Shokūhī, 1990). خانه به جهت حضور خانواده و تحکیم بنیان‌های اجتماعی توسط معمار مسلمان به‌طور عمده به دستیابی به اصول اسلامی در تعامل اجتماعی و روابط قوی افراد جامعه کمک نماید. بافت فشرده شهری مناطق مسکونی که تنها به منظور فشرده‌سازی فضایی نیست، نه تنها در تأمین این اصول، بلکه در اجرای دقیق این اصول نیز موفق است. در جامعه اسلامی طراحی خانه و جایگاه خانواده به عنوان مکان معماری اجتماعی باید به گونه‌ای صورت

پذیرد که موضوع محرمیت در دو بعد عرصه عمومی و عرصه خصوصی رعایت شود. ظاهر کلی مکان تخصیص یافته اجتماع محور باید ساده و زیبا باشد و تمامی موضوعات اجتماع را در بر گیرد (Esfandiāri, 1996). در مجموع تمامی این راهبردها در سه منزل مفهومی، فقهی و مذهبی به جهت عملکرد مینا بودن در بحث روابط اجتماعی مکان معماری از لحاظ اندیشه اسلامی قابل طبقه بندی هستند.

## ۶. نتیجه گیری

بر اساس آموزه های اندیشه اسلامی، تمامی جامعه اسلامی به مثابه یک خانه واحد قابل فهم است؛ این نگرش نه تنها یک استعاره اخلاقی، بلکه یک الگوی تکامل یافته در برنامه ریزی فضایی و سازمان دهی کالبدی اجتماع است. از منظر معماری و انسان شناسی، این دیدگاه به معنای اولویت بخشی به مقیاس جزء، یعنی خانه و خانواده، به عنوان میدان اصلی تولید و بازتولید تعاملات اجتماعی است. در این چارچوب، خانواده به صورت هم زمان هسته و شبکه دیده می شود؛ هسته ای که روابط مستقیم فردی را شکل می دهد و شبکه ای که از طریق همسایگی و پیوندهای زنجیروار به سطح امت و شهر متصل می شود. در تقابل با این نگرش، رویکرد غالب در نظریه ها و عمل شهری غربی معطوف به تحکیم تعاملات در لایه های کلان شهری است؛ یعنی تلاش برای ایجاد حضور و تجمع در فضاهای عمومی شهری به عنوان راهبرد اصلی تقویت سرمایه اجتماعی. این تمرکز بر پوسته تعامل اجتماعی و فضاهای شهری و پلازاها در بسیاری موارد از پرداختن به بطن تعامل، یعنی ساختارهای خانوادگی و معماری خانه غفلت کرده است. پژوهش حاضر نشان می دهد که این تفاوت رویکردی پیامدهای کالبدی و عملکردی مشخصی دارد: در الگوی غربی، فضاها برای جذب جمعیت و تولید تعاملات عمومی طراحی می شوند، اما در الگوی اسلامی و ایرانی، طراحی خانه و واحد همسایگی به عنوان بستر اصلی تربیت اجتماعی، تکریم نسل ها و حفظ حقوق همسایگی تعریف می گردد.

در سطح عملیاتی، این نگرش سه مؤلفه فقهی، مفهومی و عملکردی را به عنوان سازوکارهای اصلی تعامل پذیری مکان در معماری اسلامی معرفی می کند. در سطح فقهی، آموزه ها و احکام اجتماعی چارچوب حقوقی و اخلاقی روابط خانوادگی و همسایگی را تعیین می کنند؛ در سطح مفهومی، مفاهیمی چون مرکزگرایی خانه، تکریم میهمان، و احترام به بزرگ ترها به عنوان ارزش های هویتی عمل می کنند؛ و در سطح عملکردی، عناصر کالبدی مانند حیاط مرکزی، شاه نشین ها، فضاهای نیمه خصوصی و آستانه های پیوسته، ساختارهای رفتاری و الگوهای حضور را شکل می دهند. این سه سطح در هم تنیده اند و با هم فرآیند تعامل پذیری مکان را محقق می سازند؛ فرآیندی که نه صرفاً نمادین، بلکه قابل تحلیل، قابل سنجش و قابل طراحی است. از منظر طراحی معماری، تأکید پژوهش بر بازآفرینی و بازآرایی فضاهای خانه و واحدهای همسایگی است تا نقش آنها در تولید وفاق اجتماعی تقویت شود. این بازآرایی شامل سه اقدام عملیاتی است: نخست، بازخوانی و شاخص سازی عناصر کالبدی خانه، نسبت فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی، عمومی، موقعیت شاه نشین و آستانه ها، اندازه و نسبت حیاط، به منظور سنجش ظرفیت تعامل؛ دوم، تطبیق انتقادی آموزه های اسلامی با نیازهای زیستی معاصر به گونه ای که فرم های سنتی بازتولید نشوند بلکه عملکردهای اجتماعی آنها در قالب های نوین بازآفرینی گردد؛ سوم، طراحی مداخله محور در مقیاس همسایگی که خانه ها را به عنوان گره های تولید سرمایه اجتماعی در شبکه شهری بازتعریف می کند، نه صرفاً واحدهای مسکونی منفرد.

در نتیجه، بازتولید نقش خانه و خانواده در معماری معاصر، نه بازگشت رومانتیک به فرم های تاریخی، بلکه طراحی هدفمند مکان هایی است که ظرفیت تولید اتفاق اجتماعی را در سطح خرد تقویت کنند؛ اتفاقاتی که در تکرار و تجمع خود به وفاق و ثبات در سطح کلان شهری می انجامند. این رویکرد نشان می دهد که تقویت تعامل اجتماعی در جامعه اسلامی باید از خانه آغاز شود و سپس از طریق شبکه همسایگی و نهادهای محلی به شهر و امت تسری یابد. بنابراین، پیشنهاد پژوهش این است که سیاست گذاری فضایی و طراحی شهری در بستر ایرانی و اسلامی باید با محوریت بازسازی کارکردی خانه و بازتعریف همسایگی صورت گیرد تا از طریق کالبد و عملکرد، پیوندهای اجتماعی را بازسازی و تقویت نماید.

## ۷. پیشنهادات

پژوهش حاضر از آنجایی که منتج به سه عامل اساسی در اندیشه اسلام به صورت مفاهیم فقهی، مفهومی و عملکردی دینی گردیده است باید در مراحل بعدی با انجام عملیات‌های اطلاعاتی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی در این حوزه رسیدگی نماید. در نهایت با انجام عملیات‌های پژوهش از طریق روش‌های همبستگی به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های بدست آمده پرداخت نمود.

## ۸. منابع

- Holy Qurān.  
Nahj al-Balāgha.  
Alāqehband, M. (2005). *An Introduction to Social Capital. Journal of Sociology of Knowledge: 36-27.* (In Persian)
- Arkūn, M. (2016). *Humanism in Islamic Thought, (Translator:) Ehsan Mousavi Khalkhali, Tehran: Naqd Farhang Publications.* (In Persian)
- Azīzī, M.-M., & Malek Mohammadnejād, S. (2007). *A comparative study of two models of conventional and high-rise residential complexes. Fine Arts.* (In Persian)
- Behzādfar, M., & Tahmāsabī, A. (2013). Identification and evaluation of factors influencing social interactions. *Bagh Nazar (25): 17-28.* (In Persian)
- Bourdieu, P. (2018). *Social Structures of Economics, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Higher Institute for Social Security Research, first edition.* (In Persian)
- Clarckson, Joe. 2012. *Public Architecture.* May 02. Accessed May 31, 2014. <http://www.designboom.com>.
- Coleman, J. (1998). *Foundation for Social Theories. Tehran: Ney Publications.* (In Persian)
- Coser, L. (1994). *The Life and Thought of Great Sociologists. Translated by Mohammad Thalani. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.* (In Persian)
- Dāneshgar Moghadam, G. (2011). *Analysis of the sociability of the physical environment influenced by the perception of nature in the human-made environment. Fine Arts: 36-25.* (In Persian)
- Dowlatī, Gh., Hoseinī, H., & Akbarnazād, H. (2009) A study of the ethical, theological, and scientific foundations of feminism. Tehran: Maarif Publications. (In Persian)
- Durkheim, É. (2010). *Basic Forms of Religious Life. Translated by Behrouz Parham. Tehran: Markaz Publications.* (In Persian)
- Esfandīārī, M. (1996). *The Social Dimension of Islam. Qom: Khorram Publications.* (In Persian)
- Eslamī Nadushan, M.-'A. (1975). *Culture and Pseudoculture. Tehran: Toos Publications.* (In Persian)
- Gardner, H. (2014). *Art through the passage of time. Translated by: Mohammad Taghi Faramarzi. Tehran: Negah Publications (14th edition).* (In Persian)
- Glaser, B. (2002). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. *International Journal of Qualitative Methods, 1 (2).* Article 3. Retrieved DATE from <http://www.ualberta.ca/~ijqm/>
- Jacobs, J. (1993). *The Death and Life of Great American Cities.* New York: Modern Library Edition.
- Javādī Āmolī, 'A. (2014). *Mafatih al-Hayat. Edited by: Mohammad Hossein Fallahzadeh, Yadollah Moqaddasi, Mahmoud Latifi, and Jafar Ariani. Qom: Israa Publishing Center.* (In Persian)
- Jundī, A. (1992). *Islam and the Contemporary World. Translated by: Hamidreza Azhir. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.* (In Persian)
- Kuleynī, M. (2002). *Sufficient Principles. Tehran: Ahlul Bayt Culture Publications.* (In Persian)
- Moṭahharī, M. (1993). *Society and History. Tehran: Sadra Publications.* (In Persian)
- Moṭahharī, M. (1995). *Introduction to Islamic Sciences. Tehran: Sadra Publications.* (In Persian)

- Moṭahharī, M. (1996). *Familiarity with the Quran*. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Nārī Qomī, M., & 'Abbās-zādeh, M.-J. (2014). *Guest in the House, a Comparative Study between Iran and the West on the Threshold of the Modern Era*. Islamic Architecture Research. Iran University of Science and Technology, 109-93. (In Persian)
- Nasr, S.-H. (1994). *Young Muslims and the Modern World*. Translated by: Morteza Asadi. Tehran: Tarh No Publications. (In Persian)
- Ogburn, W. (2011). *Sociology field*. Translated by Amirhossein Arianpour. Tehran University Press. (In Persian)
- Pazhūhandeh, M.-H. (1996). Clash of Cultures and Cultural Invasion. Bahar Magazine: Issue 4. 115-89. (In Persian)
- Putnam, R. (2001). *Democracy and Civil Traditions*. Translated by: Mehdi Delforuz. Tehran: Islam Newspaper Publications. (In Persian)
- Rūh-Afzā, F. (2013). *Comparison of the family in Islam and the West. The third meeting of strategic ideas on women and the family, 3rd Ordibehesh: 1235-1255*. (In Persian)
- Sajjādī, S.-J. (1994). *Islamic Education Culture*. Tehran: Koomesh Publication. (In Persian)
- Scarcia, B. M. (2018). *Shia Studies in Italy*. Translated by Leila Karami. Arma Publications. (In Persian)
- Shokūhī, H. (1990). *Social Geography of Cities, Social Ecology of Cities*. Tehran: Jihad-Daneshgahi Publications. (In Persian)
- Soltānzādeh, H. (2013). *Urban Spaces in the Historical Context of Iran*. Edited by: Abdol Mohammad Roohbakhshan. Tehran: Cultural Research Publications. (In Persian)
- Sullivan, H. S. (1982). *Conceptions of Modern Psychiatry*. Washington D.C.: William A. White Psychiatric Foundation.
- Zāhedī Asl, M. (1992). *An Introduction to Social Services in Islam*. Tehran: Allameh Tabatabaei University Press. (In Persian)

### پی نوشت:

- <sup>i</sup> وَ بِالْوَأْسَعِ تَبِمُ النِّعْمَةُ؛ با فروتنی و خوشرویی، نعمت‌ها کامل می‌شود و کسی که متواضع باشد، دوستانش فراوان خواهند بود. (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴)
- <sup>ii</sup> فَأَعْفُوا أَلَّا تُحِبُّوا أَنْ يُعْفَرَ اللَّهُ لَكُمْ؛ دیگران را عفو کنید، آیا دوست ندارید خدا شما را عفو کند. (نور الثقلین ۳: ۵۸۳ ح ۷)
- <sup>iii</sup> وَ الصِّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدَقِ؛ با پاکان و راستگویان همنشین باش و با آنها معاشرت و دوستی کن. (نهج البلاغه، خطبه ۸۶، نامه ۵۳)
- <sup>iv</sup> ثَمَرَةُ التَّقْرِيبِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ. نتیجه تفریط، پشیمانی و ثمره دورانداشی، سلامت و رستگاری است. (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۲)
- <sup>v</sup> کتاب مفاتیح الحیات آیت الله جوادی آملی، بخش دوم، فصل تعامل مردم با نظام اسلامی، موضوع نظام اجتماعی از منظر اسلام. (جوادی آملی ۱۳۹۱)
- <sup>vi</sup> وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (سوره روم، آیه ۲۱)
- <sup>vii</sup> يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. (سوره تحریم، آیه ۶)
- <sup>viii</sup> إِذَا أَعْطَى اللَّهُ أَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. (میرزایی ۱۳۸۶)
- <sup>ix</sup> منظور از خانواده گسترده این است که در بیش از دو نسل از خویشاوندان نزدیک در کنار یکدیگر و در یک خانوار زندگی می‌کنند؛ بدین ترتیب، یک خانواده گسترده می‌تواند شامل فرزندان مجرد یا متأهل، پدر و مادرها و پدربزرگ و مادر بزرگ آنان باشد.
- <sup>x</sup> أَكْرُمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ. (طبرسی ۱۳۷۰، ۲۲۲)